



قیمت اشتراک سالیانه در ایران  
یک تومان  
در سایر ممالک  
پنج فرانک

# کافول

۱۳۲۴

این روزنامه هر دو هفته یکبار  
نشر میشود  
عنوان مراسلات  
Redaktion Kaveh:  
Berlin-Charlottenburg,  
Leibnizstr. 64

\* \* \* Jahrg. 2 • Nr. 24 • 15. Januar 1918 \* \* \* ثانی ۱۳۳۶ هجری = ۲ ربیع ۱۲۸۷ یزدگردی \* \* \*

نیز مقاله باو فرستادند که در شماره ۹ ربیع الاول ۱۳۳۶ (۲۳ دسامبر ۱۹۱۷) درج است و مازجه آنرا در اینجا نقل میکنیم:

## «تخلیه ایران»

یک قدم بسوی استقلال حقیقی

غره ربیع الاول ۱۳۳۶ در تاریخ ایران مانند ۹ محرم ۱۳۳۵ برای لهستان یک روز سعادتی خواهد ماند. در هر دو روز دولت آلمان که مدعیان «آزادی ملل ضعیف» اورا بخیالات جهانگیری متهم میسازند قدمی بزرگ برای استقلال و آزادی دو مملکت قدیم برداشت. از ابتدای جنگ دولت آلمان همیشه اثبات کرده که وی عمل را بر قول ترجیح میدهد. ایران که یکی از مسلم ترین نمونه ملیت تردید ناپذیر وهم قدیم ترین ملت از ملل متمدنه دنیای قدیم است هرگز طرف توجیه «علمداران اصول ملیت» نشد. از این مملکت تاریخی که هم عصر اسپارت و آتن قدیم است و تا امروز در میان امواج شرقی و غربی ملل جهانگیر ملیت خود را با وحدت و تجانس کاملاً حفظ کرده

## هرزه حیات

یا تخلیه ایران از قشون خارجی

ماده دهم متارکه ناسه را که در تاریخ غره ربیع الاول ۱۳۳۶ بین نمایندگان فرماندهان کل قشون دول اتحاد از یک طرف و دولت روس از طرف دیگر در برست لیتوسک (۱) بسته شده میتوان یک قدم حقیقی بطرف استقلال حقیقی و کامل ایران دانست. ترجمه ماده مذکور از این قرار است: «فرماندهان کل قشون عثمانی و روس اساس آزادی و استقلال و تمامیت خاک ایران را مبنی قرارداد حاضرند که قشون خود را از ایران بیرون ببرند. فرماندهان مذکور هر چه زودتر با دولت ایران داخل مذاکرات شده که جزئیات امر تخلیه را تصفیه و سایر اموری را که برای انجام اساس مذکور ضروری است مقرر دارند.»

در این موقع روزنامه آلمانی «زردویچه آگمان زیتونگ» (۲) از آقای تقی زاده مقاله در این خصوص برای درج خواهش نمود ایشان

روزی از پس برده در آمده همه آن دستگاهها را مثل تار عنکبوت پاره و بر طرف میکنند.

موافقت آلمان بر رفع امتیازات خارجیها در مقابل قانون مملکتی (کاپیتولاسیون) در عثمانی، اعلان حسن نیت درباره ایرلند، آزادی و استقلال بخشیدن بلهستان، و شرط کردن تخلیه ایران از قشون خارجی با افشای عهد نامه‌های مخفی در پترسبورگ دستگاه تزویرا اگر بهم تزند و اگر باز جمعی گول حرفهای خوش ظاهر «علمداران» آزادی را بخورند دیگر چیزی آنها را منتبه نخواهد کرد.

گمان میکنم ترجمانی حسیات کل ملت ایران را کرده باشم اگر تشکرات صمیمی تمام ملت خود را بدولت آلمان و متحدین او از این نعمت ابراز کنم و بگویم که آن مملکت هیچ وقت حقشناسی این نیکی را فراموش نخواهد کرد.

تخلیه ایران از قشون خارجی اول قدمی است که در راه استقلال کامل ایران برداشته شد. لکن برای آنکه ایران واقفاً آزاد و حقیقه‌دارای تمام حقوق استقلالی خود باشد لازم است که این قدم را قدمهای دیگر در پی آید. اولاً لازم است تخلیه ایران بمعنی تام و کامل بعمل آید نه جزئی یعنی باید آن دسته‌های کوچک نظامیان خارجه هم که مدتها بعنوان دروغین «مخاطبین قونسولخانهها» در بعضی از قونسولخانههای خارجه نگاهداشته میشدند در حقیقت پیش قراول استیلای نظامی بود که هر وقت میخواستند بتدریج زیاد میکردند نیز عودت داده شود و یک فرد نظامی خارجه در خاک ایران نماند. ثانیاً باید قشون انگلیس و ملاحان آن دولت نیز که در ولایات جنوبی و بنادر ایران رحل اقامت انداخته‌اند و بهانه ظاهری آنها دائماً فقط خوف از نفوذ و خطر روس بود نیز «ایران بیطرف» را کاملاً تخلیه کنند که حقیقت ادعاهای دوستی و طرفداری استقلال ایران که آن دولت همیشه میکرد بفعل و ثبوت برسند. ثالثاً و مهمتر از همه آنست که قیودات و امتیازاتی که بموجب آنها بتدریج ایران را مغلول و مقید داشته و در صدی نود حقوق استقلالی آنرا روس و انگلیس سلب کرده و ایران را مانع از هر گونه حرکت و ترقی شده‌اند باطل و زایل گردد و دست و پای ایران کاملاً از این زنجیرها آزاد شود. تا قشون خارجه ایران را تخلیه کنند دولت ایران باید قوای نظامی امنیه در ولایات خود فوراً تدارک کند که نظم و امنیت را کاملاً حفظ کند و هیچگونه دل واپسی باقی نگذارد. برای ایجاد یک قوه نظامی منظم صاحب منصبان اروپائی لازم است که تا حال دولت ایران از آزادی استخدام آنها از ذی الحجه ۱۳۲۹ باین طرف بدبختانه محروم است. برای نگهداری آن قوه نظامی که اوجب واجبات است پول نقد لازم است که شاید از اول امر لازم شود که بقرض

است نه تنها در نطقهای بی در پی سه ساله رجال «آزادی طلبان» و پهلوان اصول ملت در نصف کره غربی ذکری از آن نشد بلکه دولت بریطانی با تسار روس همدست شده و در ۱۱ محرم ۱۳۳۴ بقیه السیف آن مملکت را نیز میان خود مخفیانه تقسیم کردند. آنها که از برای بلژیک و کوه سیاه و سرستان که تاریخ استقلال آنها بقرنی نبرسد ادعای مدافعه میکردند و حتی ملت‌های از میان رفته را استقلال می بخشودند بی شرمانه ایران و یونان دو نمونه شرقی و غربی قدیم ترین ملت دینای متمن را زجر کش و خفه میساختند.

قبوحات معجزنمای آلمان در شرق باعث سرنگون شدن استبداد تساری شده و انقلاب روس اصول ملت را با حقیقت و صمیمیتی فزونیتر از متحدین غربی آن دولت اعلان کرد. دولت آلمان که از ابتدای جنگ همواره اظهار حسن نیت خود را در باره استقلال تام و آزادی ایران بقول و عمل مکرراً اظهار کرده بود و باعث امید و سپاسگذاری ملت ایران شده بود دوستی خود را با آزادی ایران عملاً اثبات کرد و اینک آزادی طلبی حقیقی آن دولت را در ماده دهم از عهدنامه متارکه جنگ با روس می بینیم.

غرة ربیع الاول باید یک عید ملی بماند. در این روز بهمه بیحسابیها و مظالمی که در ۹ سال اخیر از طرف قشون روس در ایران بعمل آمده که داستان بی پایان آنرا بیک کلمه «زجر کشی و مثله» اختصار توان کرد خاتمه داده شده است.

قشون روس در ۱۵ اپریل ۱۹۰۹ از جلفا در گذشته و بعنوان «حمایت اتباع روس» و موقتاً داخل ایران شد. این وظیفه «موقتی» پس از ۹ سال تمام نشد که سهل است دامنه و وسعت آن تا نقاط جنوبی ایران مرکزی هم رسید.

در اواخر جمادی الآخره ۱۳۲۷ بعنوان احتیاط و خوف از خطر حمله بختیارها و ملیون بطهران قشونی از باکو با تزیلی و رشت تا قزوین در ۲۵ فرسخی طهران فرستاده شد. کمی بعد در استراباد و مشهد و مازندران نیز قشون روس وارد شد. و اینک اصفهان پایتخت قدیم ایران در ایران مرکزی و تمام ولایات غربی ایران نیز در تحت تصرف قشون آن دولت است. از عهد نامه‌های مخفی منتشره در پترسبورگ معلوم میشود که مدعیان آزادی ملل خیال داشته‌اند بعد از جنگ یکباره کار ایران را ختم کنند و «منطقه بیطرف» را نیز میان خود قسمت نمایند.

بلی این همه ناحقی و مصائب که در عهد اخیر بایران وارد شده بود یابانی میبایست داشته باشد. عدل الهی بمر و غدر بایستی خاتمه بدهد و بایستی معلوم شود که حيله و دروغ هر قدر با شدت تکرار و با تشکیلات منظم ولیره در دنیا بسط داده شود حقیقت

عثمانی که در برلین بنگارنده روزنامه «فوسیشه زایتونگ» در تاریخ ۸ ربیع الاول ۱۳۳۶ و بسایرین تقریر کرده‌اند بخوبی میتوان دریافت. وزیر امور خارجه مومی‌الیه اظهار میدارند که: «ماده دهم متار که نامه موجب شادی بزرگی در محافل عثمانی شده است.»

بعلاوه روزنامه «طنین» که ناشر افکار هیئت وزرای حالیه عثمانی و در واقع زبان رسمی حکومت عثمانی است در شماره ۳۲۴۳ مورخه ۷ ربیع الاول ۱۳۳۶ مقاله اساسی در این باب نوشته است که ما ترجمه بعضی از قسمتهای آنرا ذیلاً نقل میکنیم.

روزنامه مذکور پس از آنکه شرحی از اهمیت ماده مذکور مندرجه در متار که نامه و سیاست روس و انگلیس در زمان عقد معاهده نامه ۱۳۲۵ سخن میراند اینطور مینویسد:

«... و متأسفانه میان آنهایکه بحاکم ایران ضرر وارد می‌آوردند — برخلاف میل خودمان — مامم داخل بودیم. دولتین روس و انگلیس بعضی از نقاط ایران را تصرف کرده و بدین واسطه سرحدات ما را تهدید مینمودند. لازم بود که ما هم بهمان ترتیب از ایشان جلوگیری نمائیم و بهمین جهت اردوهای عثمانی بایستی گاهی تا همدان و تبریز بروند. ولی نه ما و نه متحدین ما اینرا نمیخواستیم زیرا که از جمله مقاصد ما در این جنگ یکی هم مراعات حقوق ملل و مانع نبودن در جلو ترقیات آزادانه آنها بود و اینک ماده دهم متار که نامه دلیلی است بزرگ بکمال صمیمیت ما در این مقصود...»

و اینکه وزیر امور خارجه ما احمد نسیمی بیگ در موقع مسافرت خود به برلین در ضمن بیانات خود بنگارنده روزنامه «فوسیشه زایتونگ» اظهار کرده‌اند که «ماده دهم متار که نامه باعث امتنعان بزرگی در محافل عثمانی گردیده است» در واقع عین حقیقت است که بیان کرده‌اند... قبول ماده دهم متار که نامه از طرف دولت روس در حقیقت نسخ معاهده نامه ۱۹۰۷ است و بدین واسطه دولت انگلیس را دیگر نه حق انتکال بمعاهده نامه مذکوره و نه حق استدلال بدلائلی که اسباب عقد آن معاهده نامه بود میباید. امروز معاهده نامه ۱۹۰۷ منسوخ و حتی همه آن اسباب ظاهری و مصنوعی که دولت انگلیس در عقد معاهده نامه مذکور تمسک بانها میجست کاملاً از میان مرتفع شده زیرا که در ۱۳۲۵ دولت انگلیس برای اینکه خودرا در عقد این معاهده محق جلوه بدهد سخن از خطر بر هندوستان و تهدید راه آنجا از طرف روسها میراند ولی حالا خود دولت روس دارد قشون خودرا از ایران عقب میکشد و با اینحال دولت انگلیس را دیگر نه حق توسل بمعاهده نامه مذکوره و نه مجال دست آویز و بهانه دیگری باقی است.»

در این موقع اغلب روزنامه‌های اروپا شرحی نوشتند و مسئله تخلیه خاک ایران را از قشون خارجی که مبنای آن چنانکه در ماده دهم متار که نامه هم مذکور است رعایت اصول آزادی و استقلال و تمامیت خاکی ایران بیطرف است از جمله مسائل دشواری شمردند که در این موقع حلی پیدا نمود و در ظلمات مسئله غامض و پیچ اندر پیچ شرق حکم

از خارجه تدارک شود در صورتی که از سال ۱۳۱۰ باین طرف این حق از دولت ایران مسلوب شده و هکذا صدها حق دیگر که شرح آنها در اینجا لازم نیست و بدون آنها اصلاً اساس آزادی و استقلال معنی ندارد و عملاً هم نگاهداری آنها امکان پذیر نیست.

لکن قسمت اول و آخر ماده دهم متار که که دولت متحدین مرکزی و روس «آزادی و استقلال و تمامی خاکی» ایران را مبنای سیاست قرار داده و علاوه بر تخلیه ایران میخواهند با دولت ایران داخل مذاکره شده و «سایر وسایلی را که برای انجام اساس مذکور ضروری خواهد بود» تصفیه نمایند امید قوی میدهد که مقصود نه تنها تخلیه ایران از قشون خارجی بلکه استقرار اصول آزادی و استقلال کامل ایران است.

حالا میباید دید آیا انگلستان هم این مملکتی که خودرا وطن آزادی مینامد نیز حسن نیت خودرا عملاً اظهار و اثبات کرده و بدولت روس و آلمان تاسی نموده پیروی اصول سابق الذکر را خواهد کرد و فوراً قشون خودرا که پس از عقب کشیدن عثمانی و روس دلیلی برای ماندن آنها در ایران نیست پس خواهد برد و برقع قیودات محل با استقلال و آزادی ایران که همیشه درباره آنها عقب نماندن از روس را دلیل مجبوریت خود پیش می‌آورد موافقت خواهد کرد یا نه. اینک موقع امتحان ادعاهما.»

از مراتب حسن نیت و نیکخواهی که خصوصاً در این موقع از طرف اولیای دولت علیه عثمانی در حق ایران بعمل آمده و با پذیرفتن ماده دهم متار که نامه عقب کشیدن قشون خودرا از ایران و تخلیه کامل آن متعهد شده‌اند ما سپاسگزارهای صمیمی خودرا نسبت بآن دولت تقدیم میداریم. از روزیکه نقاط غربی و شمالی ایران بواسطه قشون روس و عثمانی میدان جنگ و جدال بوده و ایالات مذکوره دوچار همه قسم صدمه و خسارت و متحمل هزار گونه مصیبت گردیده است اولیای دولت علیه عثمانی در هر موقع و فرصت از این پیش آمد ناگوار اظهار دلسوزی و تألم نموده و صفای نیت خودرا نسبت بدولت ایران و آزادی و استقلال آن آشکار می‌داشتند. عمده ترین دلیلی که در این باب میشود ارائه نمود همانا نطق آخری است که اعلیحضرت سلطان در ۱۶ محرم ۱۳۳۶ در موقع افتتاح مجلس مبعوثان عثمانی فرموده و در مورد ایران اینطور تقریر نمودند: «آرزوی مخصوص ما این است که همسایه اسلامی ما دولت ایران از همه قسم تجاوزات استیلا جوینانه محفوظ مانده با استقلال تمام ترقی و تعالی نماید.»

اینک در این موقع که برطبق ماده دهم متار که نامه بین دول متحده از طرفی و دولت روس از طرف دیگر تخلیه خاک ایران از قشون روس و عثمانی قرار یافته است اثرات آنرا در قلوب برادران عثمانی و رجال آن دولت علیه از بیانات جناب احمد نسیمی بک وزیر امور خارجه

برنموده بودند امروز چشم دیدن فرمان آزادی ایران را هم ندارند و بدون بیم و خجالت در آن تحریفاتی مینمایند که جاودان اسباب سیه روی خود آنها خواهد ماند.

## واقعات اخیر

### جنگ فرنگستان

در این ماههای اول سال چهارم جنگ فیروزیهای بزرگ از هر حیث چه نظامی چه اقتصادی نصیب آلمان و متحدین گردیده و همان قدر که مقام آنانرا مستحکم کرده امیدهای متفقین را متزلزل نموده است.

از حیث اقتصاد و معیشت امروز میتوان گفت که بهبودی خیال خاصی را که متفقین برای گرسنه‌کش نمودن ملت آلمان در دماغ خود پخته بودند بکلی آشکار گردیده است. با آنکه در آلمان هم مثل کلیه ممالک دیگر جنگاور و حتی بیطرف کار معیشت مشکل است با وجود این میتوان یقین داشت که از این بعد کار خوراک در آلمان اگر بهتر نشود سخت تر نخواهد گردید. بر عکس فرانسه و انگلستان که با مشکلات زیاد دوچار هستند و هر روز مسئله ارزاق در آنها سخت تر میشود و بهمین مناسبت بود که دولت انگلیس اخیراً صادرات مال التجاره خود را بممالک بیطرف بکلی غنغن نمود که مبادا عنقریب خود وی محتاج بماند و دیگر از هیچ جگای نتواند لوازم زندگانی برای خود تهیه نماید.

اخیراً در آلمان احصائیه مصوری نشر شده که قیمت ارزاق را در آلمان و در ممالک دشمن با هم مقایسه نموده و آسانی دیده میشود که قیمت ارزاق در آلمان از انگلیس و فرانسه و روسیه خیلی ارزاتر و مناسب تر است. از آنجمله هر ۱۳ سیر نان (یک کیلوگرام) در آلمان بیول آلمان ۴۰ فنیک و در انگلیس ۵۰ فنیک و در روسیه ۴۳ فنیک است. و هر ۱۳ سیر قدر آلمان ۶۴ فنیک، در انگلیس ۱۰۴، در فرانسه ۱۱۱ و در روسیه ۱۴۹ فنیک است. و هر ۱۳ سیر سیب زمینی در آلمان ۱۳، در انگلیس ۳۱، و در فرانسه ۴۰ فنیک است و همچنین اغلب سایر ارزاق. از طرف مالیه هم آلمان را اشکالی در پیش نیست چنانکه قرض اخیری که ملت آلمان هفتمین بار بدولت خود داد و مبلغ آن قریب ۱۲ میلیارد ونیم مارک است (یعنی بیش از ۱۶۰، ۶۲ کرویر تومان اگر مارک را بیزان قبل از جنگ یعنی از قرار ۲۰،۵۰ قران حساب نمائیم) این مسئله را بخوبی آشکار میدارد.

ولی فیروزیهای عمده امساله متحدین مخصوصاً نظامی است: پس از آنکه در گالیسی دشمن را بکلی از خاک اتریش بیرون نمودند و آنهمه زحمات و تلفات بروسیلوف را بهدر دادند (۱) در ۱۴ ذی القعدة ۱۳۳۵ در حد اتهای شمالی میدان جنگ شرق بقتله

نوری را حاصل کرد. در تاریخ ۵ ربیع الاول ۱۳۳۶ روز نامه «بترز آم میتاخ»<sup>(۱)</sup> با شرح سؤال و جواب خبر نگار سیاسی خود با حضرت آقای حسینقلی خان نواب سفیر ایران در برلن دو ستون روز نامه خود را پر نمود. سؤال و جواب مذکور شامل مطالب بسیاری است که چون از طرف مقامی رسمی اظهار شده کسب اهمیت مخصوص مینماید ولی بدبختانه ما بمناسبت طول آن از نقل آن در اینجا مجبوریم صرف نظر نمائیم. هم در این موقع از طرف ملتون و وطن پرستان ایرانی و وکلای مجلس ملی مقیم فرنگستان تلگرافاتی چند در سپاسگذاری و امتنان و تشویق بنقاط مختلفه محابره گردیده است.

### تحلیله ایران و روز نامه تایمس

از غرایب تحریف کلام ترجمه ایست که روز نامه «تایمس» لندن بتاريخ ۵ ربیع الاول ۱۳۳۶ (۱۹ دسامبر ۱۹۱۷) از ماده دهم متارکه نامه میان دول سرکری و روس نموده و عبارت ماده را صراحتاً تحریف کرده است. نص عبارت را که میگوید: «اساس آزادی و استقلال و تمامیت خاک ایران بیطرف را مبنی قرار داده... الخ»<sup>(۲)</sup> بدینگونه تغییر میدهد: «اساس آزادی و استقلال و تمامیت خاک قسمت بیطرف ایران را مبنی قرار داده... الخ». معلوم است با گنجاندن تنها کلمه «قسمت» در میان جمله مذکور معنی بجه اندازه تغییر مییابد بلکه اصلاً بکلی ضد مقصود را میرساند. ماده دهم متارکه نامه صراحتاً حاکی آزادی و استقلال و تمامیت خاک تمام ایران است و در حقیقت ناسخ عهدنامه انگلیس و روس ۱۳۲۵ راجع بایران است چونکه شناختن استقلال تمام و تمام ایران از طرف دولت روس مستلزم نسخ منطقه نفوذ آن دولت است در ایران که با اساس استقلال بکلی منافی بود در صورتیکه ترجمه روزنامه «تایمس» بهیچ وجه من الوجوه این معانی را نمیرساند.

علاوه بر تحریف مزبور روز نامه «تایمس» در جمله آخر ماده نیز تغییراتی داده است باین معنی که عبارت: «سایر وسایلی را که برای انجام اساس مذکور در فوق ضروری است» را بدین طور ترجمه مینماید: «و همچنین انجام ضمانت اساس مذکور و بعضی وسایلی ضروری دیگر». و با این جزئی تحریف آشکار است که مقصود را تا بجه درجه سست نموده است.

این گونه تحریفات از جراید ائتلاف تازگی ندارد و مخصوصاً از طرف «تایمس» که دشمنی آن با آمال ایران مشهور و قدیمی است و در این موقع نحواسته بگذارد که ماده مذکور اثرات خود را در میان آزادی طلبان صمیمی انگلیس ببخشد و با تحریفات جزئی بمقصود شوم خویش نایل گردیده است. و عجب آن که روس ایران را آزاد میخواند و استقلال آنرا میشناسد و انگلیسها که همیشه سنگ حمایت و دلسوزی ملل ضعیف را بسینه میزدند و میزنند و مخصوصاً مدتی با وعده های گرم و نرم گوش ایرانیان را

(۱) B. Z. am Mittag

(۲) برای ترجمه تمام ماده رجوع شود بمقاله «مژده جات» همین شماره «کاوہ».

(۱) رجوع شود بشماره ۲۲ «کاوہ»

۲۷ محرم در پاریس نمود صریحاً پریشانی اوضاع متفقین را مطرح قرار داده است. و حقیقاً بعضی فقرات این نطق که با خون سردی و عقل و تدبیر انگلیسها مابینت کتی دارد درجه و خامت اوضاع «ملکه دریاها» و همدستان وی را مثل روز روشن میدارد. از جمله لوید جرج میگوید: «هیچ فایده ندارد که اهمیت این شکست فاحش (ایتالیا) را مخفی بداریم. و قتیکه ما یک کیلومتر در میدان جنگ جلو میرویم و یک دهکده را میگیریم و چند صد تنی اسیر بدست میآوریم فریاد شادی و فیروزی را بفلک میرسانیم... پس چه میگردیم اگر پنجاه کیلومتر (اکنون ۱۲۰ کیلومتر) وارد خاک دشمن شده بودیم و ۲۰۰،۰۰۰ اسیر (حالا ۳۰۰،۰۰۰) و ۲۰،۰۰۰ توپ و مبالنی هنگفت قورخانه و آذوقه گرفته بودیم».

یکی از جراید انگلیسی مینویسد: «آلمانها هر پائیز عادت کرده اند یک مملکت را بلع نمایند، در ۱۹۱۴ بلژیک را، در ۱۹۱۵ سربستان را، در ۱۹۱۶ رومانی را. معلوم میشود در ۱۹۱۷ نوبت ایتالی رسیده است».

ولی از آنجائیکه اقبال همواره همراه نظر است میتوان گفت که در این سال علاوه بر ایتالیا روسیه هم بکلی دیگر از دایره جنگ بیرون افتاد و هر کدام از این سرجنابان متعددی هم که در آن خاک امروز بر ضد یکدیگر بیرق افراشته و بجان یکدیگر افتاده اند پیش ببرند دیگر گمان نیرود که قشون از هم پاشیده شیرازه گسیخته روسیه بتواند جواب قشون بی مثل آلمان و متحدین را بدهد.

در باره اوضاع روسیه که حقیقت هرچ و هرج را بتمام معنی کلمه مجسم نموده است ما بنقل سخنان یکی از روسای دسته اجتماعین خود روسیه اکتفا مینمائیم. رובانویچ<sup>(۱)</sup> که از جانب کرنسکی حامل بعضی پیغامها برای رئیس الوزرای اخیر فرانسه پتلوه مستعفی بود اخیراً در پاریس بعضی اظهارات بنویسنده روزنامه «تی پاریزین» داشته که ترجمه آن از این قرار است: «بزرگواری کرنسکی که معتقد بعقل سلیم دسته «افراطیون» بود سبب شکست وی گردید. بملاوه فرانسهها باید بدانند که دهقانان روسیه تا بحال ۵ میلیون مقتول و ۳ میلیون اسیر و ۶ میلیون مجروح در راه وطن داده اند». معلوم است حال ملتی که ۱۴ میلیون تلفات داده باشد چه باید باشد و تا چه درجه باید تشنه صلح باشد.

اما جنگ بحری، بنا بیک ابلاغیه رسمی آلمان تحت البحرهای آلمان در عرض این ده ماهه اول از جنگ بی ملاحظه زیر دریائی بیش از ۱۵ کرور تن (بیش از ۴۵ کرور خروار) کشتی غرق نموده اند! و از تاریخ ۷ صفر هم که حدود عملیات خود را باز بیشتر وسعت داده اند البته بیش از پیش نتایج آن محسوس خواهد گردید.

دیگر از واقعات مهمه این اواخر سفر اعلیحضرت امپراطور آلمان است باسلامبول که در ۲۸ ذی الحجه ۱۳۳۶ بدان پایتخت ورود نمود و تأثیر بسیار عمیقی در قلوب کلیه مشرق زمینان نمود. از این

حمله برده شهر زیگا را تصرف نمودند. و برای آنکه خلیج مهم ریگا بکلی از دست روسیه بیرون آید در ۲۷ ذی الحجه ۱۳۳۵ کشتیهای آلمانی با یک شجاعت و سرعت بی مانندی در دو جزیره اوزل و داگو (که از طرفی در دهنه شمالی خلیج ریگا و از طرف دیگر در دهنه خلیج فلاند که پترسبورگ در انتهای آن است واقع اند) قشون پیاده نمودند و در چند روز هر دو جزیره را بتصرف در آورده و در ایالت استلاند هم که دروازه پایتخت روسیه است دست یافتند.

ولی در همان موقع که انظار عالم متوجه حرکات قشون آلمان در شمال اروپا و اقدامات سریع دولت روس در تخلیه پترسبورگ بود ناگهان در ۹ محرم ۱۳۳۶ صدای غرش توپ متحدین از طرف جنوب از میدان جنگ ایزونسو بلند گردید. آلمان و اطریش دو دوست متحد پس از آنکه چندی پیش خاک اطریش را از طرف شمال شرقی از وجود روس پاک ساختند خواستند از طرف جنوب غربی نیز ایتالیای دغل را گوشمالی داده و بمردان سیاسی آن مملکت نتایج سیاست «خود خواهی مقدس» را محسوس دارند.

شرح این هجوم که با اسم «جنگ دوازدهم ایزونسو» در تاریخ خواهد ماند برای قشون متحدین که در مدت طولانی این جنگ بهر حرکتی تاج و تخی را سرنگون نموده اند بزرگترین مایه افتخار و در میان آن همه شجاعتها در تاریخ این جنگ مانند یکی از شاهکارهای بیمانند نظامی روزگاران مغلذ خواهد ماند. در عرض یکی دو هفته دو قشون ایتالی تقریباً بالتمام نابود شد و قشون متحدین پس از آنکه از رودخانههای صعب المرور ایزونسو و تالیامنتو<sup>(۱)</sup> عبور نمودند و از جناب شاخه این نواحی که برای حرکات نظامی یکی از مشکلترین سرزمینهای اروپاست با سرعتی حیرت آمیز گذشتند و علاوه بر آنکه دشمن را که با صد هزاران اتلاف نفوس و میلیاردها مصارف در عرض دو سال و نیم جنگ چند فرسخی در خاک اطریش جلو آمده بود عقب راندند بر تمام قسمت شمال شرقی ایتالیا هم دست یافتند و تا ساحل رودخانه پیاوه<sup>(۲)</sup> رسیدند و در عرض سه هفته قریب ۳۰۰،۰۰۰ اسیر و ۲۰،۰۰۰ توپ از ایتالیائیها گرفتند.

بنا باطلاع رسمی دوم صفر قشون متحدین در عرض چهار ماه اخیر چه در روسیه و چه در ایتالیا ۳۹۰،۰۰۰ اسیر و ۳۲۳۳ توپ و قریب ۷۶۰۰ فرسخ مربع زمین گرفته اند.

متفقین با آنکه همیشه عادت داشته اند مورا در چشم طرف بینند و تیرا در چشم خود ندیده انگارند دیگر در این موقع نتوانسته اند بکلی پا روی حقیقت بگذارند و جراید فرانسه و انگلیس پیشرفتهای اخیر متحدین را در ایتالیا آشکارا اقرار و تصدیق میکنند. و حتی لوید جرج رئیس الوزرای انگلیس در مراجعت از سفری که به همراهی پتلوه<sup>(۳)</sup> رئیس الوزرای فرانسه بایتالیا نموده بود در نطقی که در

Roubanowitch (۱)

Painlevé (۲) Piave (۲) Tagliamento (۱)

الاؤل دول مرکزی پیشنهاد را زد نموده و گمان رفت که اصلاً روابط قطع شده باشد. ولی روز وعده روزنامه خبر آمدن خود ترسکی مأمور ملت برای امور خارجه روس را برست لیتوسک دادند و معلوم شد کار دوباره اصلاح شده است. تا با امروز که ۲۷ ربیع الاؤل است دیگر خبر مهمی که بفهماند تا بچه درجه مذاکرات پیشرفت نموده نرسیده است.

## گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران

از سلسله انتشارات جریده کاوه

اداره کاوه با اینکه از یکطرف اشتغالات زیاد که در این موقع داشته و با اینکه از طرف دیگر هم وسایل طبع و نشر بقدر کافی نداشته است باز در عرض این دو سال بنشر بعضی رسایل مفید و اوراق مهم موفق گردیده است که از آنجمله است رساله «ایران و جنگ فرنگستان» که دو سال پیش بطبع رسیده و درباب اوضاع حالیه و تکالیف امروزی ایران بعضی اطلاعات و عقاید مفیده را دارا میباشد.

«گنج شایگان» نیز که بتازگی از طرف اداره کاوه نشر شده و راجع باوضاع اقتصادی و تجارقی ایران است از آن سلسله انتشارات است و اداره کاوه از موفق شدن بنشر چنین اثر مفید خود را خوشوقت میداند. این کتاب که بهمت و سعی جناب آقای سید محمد علی جمال زاده فرزند پیشوای آزادی و فدای حقیقی استقلال ایران مرحوم سید جمال الدین اصفهانی ترتیب یافته بهترین اثرهایی است که تا امروز در زبان فارسی راجع باین موضوع نوشته شده است.

از آنجا که هنوز اصول تألیف و طبع بترتیب سلیقه و قاعده اروپائیان در میان ایرانیان معمول نشده است این کتاب برای مؤلفین و نویسندگان وطن ما بهترین نمونه در این خصوص خواهد شد.

این کتاب دارای ۲۱۹ صفحه و شانزده فصل و یک ضمیمه و ۴۶ جدول احصائیات و شش نقشه میباشد.

محسناتی که در اصول تألیف این کتاب بنظر میرسد عبارت است از اینکه اولاً باعبارات ساده و خالی از تکلفات نوشته شده است. دوم مطالب با یک ترتیب و انتظام صحیح از بی هم دیگر آمده کلیه مباحث بهم دیگر مربوط میباشند. سوم اطلاعات از مأخذهای صحیح و معتبر اخذ شده و در پای صفحات آن مأخذها را یاد آوری کرده اند. چهارم جدولهای متعدد احصائیات و نقشه های مختلف با دقت و صحت تمام ترتیب داده شده. پنجم علاوه بر فهرست مندرجات فصول یک فهرست عمومی القباتی نیز در آخر کتاب درج شده است.

چون مسائل اقتصادی در این قرن بیستم غلبه و تسلط بر تمام مسائل دیگر دارد و بلکه میتوان گفت که منشأ جنگهای بین المللی و هرگونه

بعد عموم مسلمانان بیش از پیش باید امیدوار و مطمئن بدوستی این امپراطور بلند جایگاه باشند.

سطوره مسطوره در فوق در خصوص اوضاع و احوال روسیه بخوبی میفهماند که ملت روس را کارد با ستخوان رسیده و دیری نخواهد گذشت که فریادهای «نان و صلح» راه صلح را باز خواهد نمود.

ولی پیش از آنکه داخل مسئله صلح با روسیه بشویم بحاجت که یک جمله از سخنان میربنچ لودندورف (۱) همکار مشهور سپهسالار هیندنبورگ را در خصوص روسیه در اینجا نقل کنیم: لودندورف در سؤال و جواب با یک روز نامه نویس اتریشی میگوید: «اگر کسی بگوید که انقلاب روسیه برای آلمان یک خوشبختی اتفاقی است من تعرض خواهم نمود. انقلاب روسیه هیچ خوشبختی اتفاقی نیست بلکه نتیجه مستقیم و ضروری مهارت لشکرکشی ما و عاقبت منطقی قوانین جدید جنگ است. پیش از اینها جنگ بین دو قشون بود امروز بین دو ملت است. پیش از اینها همینکه قشون طرف مغلوب میشد جنگ پایان میافت امروز پایان جنگ بسته بشکست ملت طرف است. این نکته را ما هم پیش از جنگ میدانستیم ولی جنگ بما آموخت . . . . . شکست نظامی اسباب سلب اطمینان ملت از دولت خود و باعث افتادن هیئت دولت میگردد. و وقتی که اساس حکومت مانند روسیه تا بمغز استخوان پوسیده باشد و حاضر افتادن باشد نتیجه یک شکست نظامی میتواند زیر و رو شدن تمام اساس مملکتی گردد.» رشته امور روسیه پس از آنکه از دست تزار نیکلای دوم و میلوکوف و همقطاران وی و کرنسکی عاقبت بدست لینن و ترسکی افتاد که اولین سطر نظامنامه عملیات خود را اجرای صلح نموده و بهمین وسیله هم ملت روسیه را باخود همراه کرده بودند دیگر آشکار بود که کار صلح باید صورت بگیرد چنانکه در غره ربیع الاؤل نمایندگان دول مرکزی از یک طرف و نمایندگان روسیه از طرف دیگر متار که نامه برست لیتوسک را (۲) امضا نمودند. پس از آن در ۸ ربیع الاؤل نمایندگان روسیه موادی چند راجع بکات اساسی که باید در موقع بستن عهدنامه صلح مراعات شود پیشنهاد هیئت نمایندگان دول مرکزی نمودند و در جواب آن هم کنت چرنین (۳) رئیس الوزرای اتریش از طرف متحدین در ۲۱ ربیع الاؤل جوابی اظهار داشت که متضمن ۶ نکته اساسی بود و نقطه نظر متحدین را می رساند. هیئت نمایندگان روس در این موقع پیشنهاد صلح عمومی نمودند و برای این مقصود بنا شد مذاکرات صلح ده روز تأخیر افتد تا شاید دول دیگر ائتلاف نیز حاضر بدخول در مذاکرات صلح شوند. پایان وعده ۲۲ ربیع الاؤل بود که بنا بود چه از طرف دول دیگر ائتلاف جواب مساعدی برسد یا نه نمایندگان متحدین و روسیه مجدداً در برست لیتوسک گرد آمده و مشغول مذاکرات قطعی صلح شوند. در ۲۰ ربیع الاؤل یعنی دو روز بوعده مانده هیئت نمایندگان روسیه از پتر سورگ تقاضا نمود که برای مذاکرات صلح بجای برست لیتوسک نقطه دیگری انتخاب شود در یکی از ممالک بیطرف و استکهلم را پیشنهاد نمودند. در ۲۱ ربیع

در باره ایران فقط بذكر لزوم مذاکره در باب استقلال اقتصادی تنها اکتفا نموده بود لهذا نماینده هیئت ملیون ایران در استوکهولم آکاسید محمدعلی جمالزاده اعتراض نامه در ۱۶ محرم ۱۳۳۶ نوشته و بدان هیئت فرستاد که صورت آن در شماره های ۱۷ محرم روزنامه های سوئدی «آفتن بلادت» (۱) و «نیا داکلیگت آلهاندا» (۲) طبع و در بعضی روزنامه های دیگر نیز ذکر شده است.

اعتراض نامه مذکور اولاً دلایلی چند برای آنکه استقلال اقتصادی برای یک مملکتی نه فقط ناکافی بلکه غیر قابل اجرا هم هست آورده سپس بذكر منافع و فوایدی که در وجود یک ایران با تمام مستقل برای دنیا و آتی صلح مستمر آن ملحوظ است پرداخته و پس از اظهارات حیرت و تأسف از آنکه روسیه با وجود آنکه تا دیروز باعث اغلب سیه روزیهای ایران بود امروز در جزو شرایط صلحی که بتوسط اسکوبالف (۳) نماینده دسته کارکنان و سربازان در تاریخ ۴ محرم بهیئت متفقین که میبایستی در پاریس بر پا شود فرستاد استقلال تام و تمام ایران را در تحت ماده دهم از شرایط اساسی صلح قرار میداد و حال آنکه هیئت اجتماعین که آنهمه دعوی عدالت پروری و مساوات و آزادی طلبی دارد از استقلال سیاسی ایران هیچ سخنی نرانده، شمه از خطرات سیاست و طمع کاری انگلیس در آسیای غربی و آرزوهای ملت ایران بشمار آورده بالأخره باین جمله پایان میگردد:

ملت ایران جز آزادی و استقلال که از جمله مشروع ترین حقوق وی است و بدان سزاواری کامل دارد آرزویی ندارد و تمام قصد وی این است که آزاد و آسوده خدمه آتی را که در گذشته بتدن و ترقی نوع بشر نموده ادامه نموده و از پرتو سنی و کوشش و هوش فطری خود گنجهای پربهای دیگری ب سرمایه معنوی نوع بشر افزوده و در طریق صلح و رفاه و ترقی نشو و نما نماید.

## اعتذار

روز نامه کاوه اگرچه اساساً چنانکه در سرلوحه آن نوشته شده باید هر دو هفته یک بار منتشر شود ولی از آنجائی که این روزنامه در حقیقت زائیده جنگ کنونی است و اداره و طبع و نشر آن بسته پیش آمدهای جنگ و اشخاصی است که متکفل کار آن هستند. و از آنجائی که در این اواخر اشخاص مذکور سرگرم پاره خدمات ملی دیگر از قبیل امر انجمن اجتماعین در استوکهولم و غیره بودند در ترتیب نشر روز نامه اختلالی پدید آمد و مخصوصاً این شماره از وقت خود خیلی دیرتر بیرون آمد اینک امیدواریم که از این پس شماره های کاوه با نظمی بیش از پیش در آید.

اختلافات و انقلابات سیاسی فقط مسائل اقتصادی است و چون در باب اوضاع اقتصادی ایران نه تنها هموطنان ما اطلاع کاملی ندارند بلکه در خود اروپا نیز در خصوص اوضاع اقتصادی ایران کمتر چیزی نوشته شده است این است که امیدواریم این اثر آن نقصان را تکمیل بکند و منظور نظر قبول ارباب علم و اختصاص بشود.

برای تعمیم فواید آن و مخصوصاً برای جلب انظار اروپائیان بمسائل اقتصادی ایران اداره کاوه در نظر گرفته است که عین کتاب را بیکی از زبانهای خارجه ترجمه بکند.

و از این پس مابعضی اقتباسات از آن کتاب نموده و در شماره های «کاوه» درج خواهیم نمود. در این شماره فقط بنقل جدول واردات مهم ایران اکتفا مینمائیم:

### واردات مهم ایران

مال التجاره	قیمت تخفوی ٹیل ۱۳۲۷-۲۸		قیمت ایت ٹیل ۱۳۲۸-۲۹		تفاوت کاست
	قران		قران		
منسوجات پنبه	۱۲۴'۱۶۹'۷۰۷	۱۳۹'۰۷۵'۵۵۷	۱۴'۹۰۵'۸۵۰	قران	قران
قند (کله و خاکه)	۱۰۷'۲۶۷'۰۴۵	۱۲۰'۵۹۵'۹۶۹	۱۳'۳۲۷'۹۲۴	—	—
طلا و قره شش	۴۰'۶۸۱'۳۵۰	۴۲'۴۶۷'۴۱۱	۱'۷۸۶'۰۶۱	—	—
چای	۲۷'۶۰۲'۸۹۴	۲۴'۸۲۲'۴۲۰	۲'۷۸۰'۴۷۴	—	—
مسکوکات طلا و قره	۱۴'۵۷۴'۳۷۶	۱۱'۹۲۷'۰۵۹	۲'۶۵۷'۳۱۷	—	—
نخ پنبه	۱۰'۴۳۴'۸۶۲	۱۱'۱۴۵'۴۱۲	۷۱۰'۵۵۰	—	—
منسوجات پشمی خالص	۹'۰۱۵'۶۳۹	۹'۷۲۵'۰۳۶	۷۰۹'۳۹۷	—	—
نفت	۸'۰۱۶'۱۲۹	۶'۹۹۷'۴۹۴	۱'۰۱۷'۶۳۵	—	—
منسوجات ابریشم و پنبه	۳'۶۲۲'۰۰۲	۶'۰۷۹'۷۱۶	۲'۴۵۷'۷۱۵	—	—
مس و نیکل	۲'۰۵۳'۵۱۲	۵'۵۸۶'۶۹۷	۳'۵۳۳'۱۸۵	—	—
اسباب آهنی و فولادی	۸'۲۰۵'۵۶۰	۵'۴۶۴'۷۵۷	۲'۷۴۰'۷۴۹	—	—
خرازی و غیره	۴'۲۷۷'۱۹۰	۵'۴۲۵'۱۹۶	۱'۱۴۸'۰۰۶	—	—
آرد گندم	۳'۴۲۹'۳۷۵	۵'۲۲۵'۵۳۷	۱'۸۹۶'۱۶۲	—	—
منسوجات پشم و پنبه	۴'۵۷۱'۲۳۶	۴'۵۲۸'۸۳۳	۴۲'۴۰۳	—	—
پوست کار نشده	۲'۸۸۷'۶۵۵	۴'۰۳۱'۱۱۹	۱'۱۴۳'۴۶۴	—	—
منسوجات متفرقه	۱'۷۴۸'۴۸۴	۳'۴۴۵'۲۴۱	۱'۶۹۸'۸۵۷	—	—
دیگر	۳'۳۵۳'۲۲۵	۳'۴۱۸'۲۳۳	۶۴'۰۰۸	—	—
کبریت	۲'۹۹۱'۲۸۵	۳'۰۴۸'۷۰۹	۵۷'۴۲۴	—	—
آهن و فولاد (ورق و مقتول)	۱'۹۱۹'۳۴۴	۲'۹۹۵'۳۸۰	۱'۰۷۶'۰۳۶	—	—
نخ کتان و پلف کتان	۲'۱۸۷'۳۴۴	۲'۸۷۷'۵۵۵	۶۹۰'۲۱۱	—	—

## اعتراض ملیون ایران

بهیئت اجتماعین هلند و اسکاندیناوی

از آنجائی که هیئت اجتماعین هلند و اسکاندیناوی در بیان نامه که در اوایل محرم این سال در باره مقاصد خود و شرایط صلح نشر کرده بود

## زنده جاوید

از ضایعات بزرگ ایران وفات مرحوم حاج علیقلی خان سردار اسعد بختیاری است که با کمال اسف در جراید ایران خوانده شد که در دهه ثانی ماه محرم ۱۳۳۶ در گذشت.

در تاریخ انقلاب در ایران فقط چهار و پنج نفر بیش مرد با قیمت تمام معنی دیده نمیشود. سردار اسعد و یفرم خان از ایران و شوستر آمریکائی مثالهای درخشنده تاریخ اخیر ما هستند.

سردار اسعد از اشخاص بزرگی است که از کوهستان ایران بعمل آمده و باعث روسفیدی نژاد ایرانی گشته. در این زمان که در مملکت ما فساد اخلاق در بزرگان آن ملک اسباب این همه سرافکنندگی برای اشخاص بیدار و آبرومند مملکت است وجود اشخاص درست و عالی همت و وطن دوست از آن طبقه حکم یک معجزه را دارد و سردار اسعد مرحوم یکی از آن معجزات باهره بود که بیانی و درستی و باشرقی و وطن پرستی ممتاز بود. حاج علیقلی خان پسر سوم حسینقلی خان ایلخانی بختیاری است که مسعود میرزای ظل السلطان او را بقدر و حیل در شعبان ۱۲۹۹ کشت. حاج علیقلی خان بعد از فوت پدر سالها با برادر بزرگ خودش اسفندیار خان سردار اسعد در اصفهان محبوس بودند تا بعدها خلاص شد و بطهران آمدند و بستگی بپیرزا علی اصغر خان امین السلطان پیدا کردند. بعد از وفات اسفندیار خان حاج علیقلی خان ملقب بسردار اسعد شد و مدتی در پاریس اوقات خود را گذراند.

در سال ۱۳۲۶ جمعی از مشروطه خواهان ایرانی که از ایران فراری بودند در پاریس بسردار اسعد نزدیک شدند و کمک بتأثیر مجاورت و معاشرت آنها سردار اسعد مایل شد که اوضاع استبدادی را در ایران برانداخته باسترداد مشروطیت کمک کند. بتعلیمات مشارالیه انقلاب اصفهان و هجوم بختیارها بدانجا در ذی الحجه ۱۳۲۶ بعمل آمد. بعد از افتادن اصفهان بدست بختیارها سردار اسعد از راه محرمه عازم ایران شد و پس از رسیدن بپارسی بختیاری تدارک اردو کشی بطهران را دیده در جمادی الثانی آنسال با قوای خود رو بطهران آورد. بعد از فتح طهران تاریخ حیات سردار اسعد با تاریخ سیاسی خود ایران توأم است زیرا مشارالیه از پیشروان عمده حرکات ملی بود. از سه چهار سال بانطرف بدبختانه مشارالیه از قوه باصره محروم شده و کمک فالج نیز شده و از خانه بیرون نرفت ولی تمام وقت خود را صرف تشر علم و معرفت میکرد. از جمله آثار آمرحوم کتاب تاریخ بختیاری است که در زمره مهمترین کتب معدودی حساب میشود که در زمانهای اخیر در ایران تشر شده باشد. فرستادن جوانهای بختیاری را نیز برای تحصیل بفرنگستان از جمله اعمالی است که ترقی خواهی مشارالیه مرحوم را بخوبی میرساند. ملت ایران همیشه حق شناس و سپاسگذار خدماتی که وی با ایران نموده خواهد بود.

## وفات

در ۲۰ ماه صفر ۱۳۳۶ دوست عزیز و همکار محترم ما پروفیسور اوسکار مان<sup>(۱)</sup> معروف این جهان را وداع گفت. وفات این علامه که وجودش بسیار معتم بود برای ایران و ایرانیان از ضایعات بزرگ است. مشارالیه مرحوم در تاریخ حیات خود برای ادبیات و زبان ایران خدمات عمده کرد و در سالهای آخری در سیاست ایران نیز علقه مهمی پیدا کرده بود. مخصوصاً بملتون ایرانی در برلین در اثنای این جنگ کمک زیادی نموده و تمام اوقات خود را صرف امور ایران میکرد. کمک مشارالیه بروزنامه «کاوِه» دلیل دیگری بتأثر اجزای این اداره از فوت آن مرحوم است. مشارالیه مرحوم در ۱۹ جمادی الأولى ۱۲۸۴ در برلین متولد شده تحصیلات خود را در مدرسه متوسطه «فریدریک ویلهلم» و بعد در هایدلبرگ و برلین بپایان رسانیده در سن ۱۳۰۹ در مدرسه عالی اشتراسبورگ در قسمت فلسفی تحصیل کرده و در سن ۱۳۱۰ در خدمت کتابخانه پادشاهی برلین داخل شد.

خدمات آمرحوم بعالم علم بیشتر از آن است که در این مختصر بتحریر بیاید. مخصوصاً در تدقیق و تتبع زبانهای ایرانی سعی وافیه مبدول داشته بود. اختصاص مشارالیه در شعبه زبان کردی از شعب علم السنه ایرانی بود و مخصوصاً برای تحقیق این شعبه مسافرتها بایران و عثمانی نمود و سالها میان عشایر و قبایل کردهای گوران و مگری و غیره بسر برد و در نتیجه تبعات خود کتاب مشروحی در لهجههای مختلف زبان کردی نوشت که بهترین یادگار آن مرحوم است.

مشارالیه مرحوم بواسطه علت مزاحی که عارض او بود از یکسال بانطرف تا اندازه از کار بازمانده بود و در این اواخر کم کم حالش رو بهبودی گذاشته بود و چنان بنظر میآمد که دیگر مرض رو بزوال است. روز پیش از وفاتش عصر تا ساعت ۸ بعد از ظهر در اداره «کاوِه» مشغول انجام امور محصلین ایرانی بود و شب را با خود ما تا ساعت ۱۱ برای تشکیل مجمع ایرانی در جلسه که برای این کار منعقد شده بود حاضر بود و فردای آنروز صبح با کمال تأسف و دهشت شنیدیم که ساعت ۸ صبح فجأة در گذشته.